

حکایت فلزی که نام پادشاه را فریاد می‌زد!

۲۱ خرداد ۱۴۰۴ ساعت ۱۷:۵۸

در دل امپراتوری صفوی، نقره تنها یک فلز گرانبها نبود؛ نمادی از قدرت و سلطنت بود که حتی پیش از آنکه وارد چرخه تجارت شود، باید مُهر شاهی بر آن می‌خورد. این نه فقط یک قانون، که شیوه‌ای هوشمندانه برای تحکیم حاکمیت بود، از ایروان تا اصفهان، هر قطعه نقره‌ای قصه‌ی اقتدار شاهان صفوی را بازگو می‌کرد.

نقره یکی از فلزات رایج در دوره صفویان بود که همه افراد می‌توانستند از آن به اشکال مختلف استفاده کنند. با این حال استفاده از نقره، نیازمند به رسمیت شناخته شدن آن بود. بدین معنا که در هر شرایطی نام شاه می‌بایست بر روی نقره حک می‌شد. تاورنیه در سفرنامه خود به خوبی به این موضوع اشاره کرده است:

«باید ملاحظه کرد که همه قسم نقره در ایران رایج است خواه شمش، خواه ظروف، خواه پول مسکوک و همین که اسم نقره دارد قبول می‌کنند و برمی‌دارند، زیرا که در وقت ورود به خاک ایران چه در ایروان و چه در تبریز که پول از آنجا سکه می‌شود هر کس مجبور است که هر قدر نقره داشته باشد اظهار کند تا اسم شاه در آن مسکوک شود و اگر کسی نقره خود را اظهار نکند و کشف بشود جریمه خیلی گزافی از او دریافت می‌دارند؛ اما اگر تاجری کار و شغلش اجازه ندهد که در ایروان یا تبریز توقف بکند و بخواهد نقره خود را مستقیماً به اصفهان ببرد و در ضرابخانه آنجا سکه کند همین قدر بلیطی از رئیس ضرابخانه ایروان یا تبریز می‌گیرد و همان برای او سند معاینه و ارائه نقره می‌شود.»

منبع: ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تهران، کتابخانه سنائی، ۱۳۳۶، صص ۱۳۵-۱۳۶

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/50118/زد-مپ-فریاد-پادشاه-نام-فلزی-حکایت/>